

اجباری‌ها

مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی: خروجی مؤثر کمپ‌های ماده ۱۶ به ۵ تا ۱۰ درصد می‌رسد

گزارش
روز



خبرنگار
مهرداد ابراهیم

از داخل حیاط پای خودرابه جایی قلاب می‌کنند و بادست، خودشان را از در نسبتابلند مرکز بالامی‌کشند، خیلی سریع خود را از آن سوی در آویزان می‌کنند، روی زمین می‌پروند و بعد هم در حاشیه جاده پا به فرار می‌گذارند؛ این توصیف چند خطی از محتوای کلیبی است که شهریور امسال در فضای مجازی دست به دست می‌شد؛ مهدی برچی، مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی، همان زمان درباره این موضوع اعلام کرد: «هفتاد نفر از معنادان در ساعت هوا خوری و ضمن درگیری با نگهبان‌ها، متواری شده‌اند.» و این نکته را هم گفته بود که کمپ‌های ماده ۱۶ در اختیار ستاد مبارزه با مواد مخدر است و بهزیستی، نقش نظارتی دارد. پس باین حساب، بخشی از پرسش‌های اصلی به همین سازمان برمی‌گردد که نظارت‌ها چگونه انجام می‌شود که شاهد فرار این معنادان از مرکز بوده‌ایم؟ نکته دیگر این است که از سال گذشته، قرار بود مراکز ترک اعتیاد ماده ۱۶ تعیین تکلیف شوند، اما این موضوع نیمه تمام ماند؛ برچی خرداد پارسال از توقف سیاست توسعه کمپ‌های ماده ۱۶ خبر داد؛ زیرا هزینه کرد کمپ‌های اجباری، سنگین و از آن طرف خروجی آن‌ها نزدیک به صفر بود؛ در همان زمان اعلام شد که کمیته نظارت و ارزیابی، شرایط این مراکز را بررسی خواهد کرد تا مشخص شود که آن‌ها ملاک‌های لازم برای تمدید پروانه را دارند یا خیر و البته ضرب الاجل یک ماهه‌ای هم برای این کار در نظر گرفته شد. اما سرانجام این وعده‌هایی نتیجه ماند و پیگیری شهرآرا از سازمان بهزیستی، نشان داد که نیرداختن بخشی از مطالبات این مراکز، علت بی سرانجام ماندن ماجراست.

خراسان رضوی، دارای نیمی از کمپ‌های اجباری کشور

براساس آخرین آمارها، شمار کمپ‌های ترک اعتیاد ماده ۱۶ در استان ما به هفده فقره می‌رسد و در مقابل، تهران با وسعت و در نتیجه جمعیت بیشتر، فقط پنج کمپ اجباری دارد. علاوه بر این، طبق اعلام بهزیستی خراسان رضوی، نیمی از کمپ‌های ماده ۱۶ کشور در این استان قرار دارد، باین حال ماجرای اخیر قرار تعدادی از معنادان از کمپ، نشان می‌دهد که تعداد زیاد کمپ‌های اجباری، منجر به افزایش کیفیت خدمات آن‌ها نشده است و گویا معنادان، بی‌خاطمانی‌رایه تحمل شرایط این کمپ‌ها ترجیح می‌دهند. این درحالی است که در سطح کشور نیز بر موضوع ارتقای کیفیت مراکز ماده ۱۶ تأکید شده است؛ مرداد امسال، در جلسه کمیته کشوری هماهنگی مراکز ماده ۱۶ تأکید شد که توسعه این مراکز نباید صرفا به افزایش تعداد تخت‌ها محدود شود و ارتقای کیفیت خدمات و برخورداری مراکز از امکانات مناسب برای غربالگری، سم‌زدایی و درمان و همچنین رعایت استانداردهای لازم باید مورد توجه قرار گیرد. طبق گفته محمد غفاری زاده، معاون سلامت اجتماعی بهزیستی استان، در تیرماه پارسال، هزینه هر ماه نگهداری مراکز ماده ۱۶، ۱۵ میلیارد تومان بوده است و ۶۰ درصد از یارانه این مراکز را ستاد مبارزه با مواد مخدر تأمین می‌کند و پرداخت ۴۰ درصد مابقی نیز برعهده شهرداری هاست. این هزینه‌ها و ضرورت صرفه جویی از طریق کاهش تعداد مراکز ماده ۱۶، شاید زمانی بیشتر به چشم بیاید که بدانیم، خروجی مؤثر کمپ‌های اجباری براساس گفته‌های مدیرکل بهزیستی استان حدود ۵ تا ۱۰ درصد است، حال به این داده‌ها، این موضوع را هم اضافه کنیم که بهمن پارسال، برچی به نوعی هشدار داده بود که ممکن است «گرانی‌ها منجر به تعطیلی خیلی از مراکز نگهداری بهزیستی شود.» مجموع این اعداد و اظهارنظرها، یک سؤال مشخص را ایجاد می‌کند؛ مراکزی که هزینه گزافی برای نگهداری آن‌ها صرف می‌شود، با چه کیفیت و استاندارد به فعالیت خود ادامه می‌دهند؟

کمپ‌های ماده ۱۶ استان در یک نگاه

حدود ۵۰ درصد

سهم خراسان رضوی
از کمپ‌های اجباری کشور



۱۵ هزار نفر

آمار معنادان پذیرش شده در
کمپ‌های ماده ۱۶ در سال گذشته



۲۰۰ میلیارد تومان

هزینه‌کرد سال گذشته
برای کمپ‌های ماده ۱۶



۱۷ کمپ

تعداد کمپ‌های فعال



۵ تا ۱۰ درصد

خروجی مؤثر کمپ‌های اجباری



هزینه میلیاردی؛ اثربخشی ناچیز

تجمع کمپ‌های ماده ۱۶ و کاهش تعداد آن‌ها به ۱۷ مرکز، هنوز نتوانسته پاسخ روشنی به پرسش اصلی درباره کیفیت خدمات و اثربخشی این مراکز بدهد. به گفته مهدی برچی، مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی، خروجی مؤثر این کمپ‌ها تنها پنج تا ۱۰ درصد است؛ آماري که در کنار هزینه ماهانه ۱۵ میلیارد تومانی نگهداری آن‌ها، تردیدها درباره تناسب هزینه و نتیجه را جدی‌تر می‌کند. البته بخشی از ناکارآمدی به مشکلات مالی، از جمله پرداخت نشدن مطالبات مراکز و افزایش هزینه‌ها، بازمی‌گردد؛ اما محدودیت بودجه نمی‌تواند پرسش درباره کیفیت نظارت، رعایت استانداردها و اثربخشی فرایند درمان را بی‌پاسخ بگذارد.

کمپی که معنادان از آن فرار کردند، در آستانه تعطیلی بود

معتقد است که بیشتر کمپ‌های اجباری مشهد حداقل استانداردها را دارند، حال سؤال اینجاست کمپی که اخیرا معنادان از آن فرار کردند، چه وضعیتی داشته است؟ او پاسخ می‌دهد: این کمپ در مرحله نظارتی ما بود و دو اخطار نیز به آن داده شده بود، بنابراین در آستانه تعطیلی قرار داشت و اگر قرار معنادان اتفاق نمی‌افتاد، یک یا دو هفته بعد از آن، ناچار بودیم به دلیل رعایت نکردن استانداردها، معنادان را به مرکز دیگری منتقل کنیم. اما چرا این تعطیلی، زودتر رقم نخورد تا شاهد فرار معنادان نباشیم؟ او بیان می‌کند: به دلیل اینکه بعد از هر اخطار باید فرصتی برای آن‌ها تعیین کنیم و فقط در صورتی به طور بحرانی برای این کار اقدام می‌کنیم که در آن مرکز، جان معنادان در خطر باشد. برای مراکز ماده ۱۶، اخطار از سوی شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر و برای مراکز ماده ۱۵ از طریق بهزیستی اعلام می‌شود، بنابراین فقط درخصوص مراکز ماده ۱۵ می‌توانم بگویم که در هر جلسه، دست‌کم دو یا سه تذکر، اخطار اول یا دوم به آن‌ها می‌دهیم. پس از انتشار آن ویدیو، برخی شنیده‌ها از ابتلای برخی معنادان به بیماری مسری و همچنین فرار تعداد بیشتری از معنادان نسبت به آمار اعلام شده رسمی حکایت داشت، باین حال برچی درواکتش به این موضوعات می‌گوید: موضوع بیماری را تأیید یارد نمی‌کنم؛ زیرا در کمیته نظارت، نماینده دانشگاه علوم پزشکی مشهد حضور دارد و آن‌ها بررسی لازم را انجام می‌دهند. درباره تعداد، باید دوباره بررسی کنیم، اما آماري که همان روز به ما اعلام شد، هفتاد نفر بود. این مرکز ۲۳۵ نفر ظرفیت داشت که بعد از فرار تعدادی از معنادان، حدود ۱۵۰ نفر دیگر را جابه‌جا کردیم. «تصمیم‌گیری درباره ادامه فعالیت این کمپ در شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر انجام می‌شود، اما فعلا به دلیل اینکه ظرفیت کمپ‌های دیگر خالی است، معنادان را جابه‌جا کرده‌ایم.» این جملات را برچی می‌گوید و کمپ حسن آباد را به عنوان کمپ ماده ۱۶ که فراتر از استانداردها فعالیت می‌کند، مثال می‌زند و می‌گوید: این کمپ، ظرفیت پذیرش ۱۰۰۰ معنادار دارد. هر جا که صحبت از مراکز اجباری ترک اعتیاد می‌شود، همیشه موضوع اثربخشی این مراکز نیز به میان می‌آید؛ برچی در این باره اظهار می‌کند: وجود این مراکز از نظر اخلاقی و انسانی، خوب است؛ چرا که اگر معنادان سامان دهی نشوند، ممکن است مرگ و میرشان افزایش پیدا کند، اما درباره خروجی کمپ‌ها، باید سایر دستگاه‌ها نیز پای کار بیایند تا در حوزه پیشگیری و پس از تریخیص، اوضاع بهتری داشته باشیم. بنابراین حتی اگر خروجی مثبت این مراکز ۵ تا ۱۰ درصد به باشد، ارزشمند است. پیگیری شهرآرا برای دریافت پاسخ از شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر در این زمینه به نتیجه نرسید.

جمع‌آوری معنادان متجاهر، دستورکار نیروی انتظامی است

معنادان متجاهر نیز از این نظر که چهره شهر را نازیبا می‌کنند، اهمیت دارد. از سوی دیگر تردد این افراد در بزرگراه‌ها و خیابان‌ها، منجر به تصادفات فونی می‌شود؛ همچنین در موارد زیادی سرقت‌های خیابانی نیز توسط معنادان متجاهر و لوگر انجام می‌شود. سرهنگ محمد چراغ ادامه می‌دهد: در همین راستا، پلیس مشهد به طور مستمر مقابله با این پدیده را در دستورکار خود دارد و با توجه به بررسی گزارش‌های شهروندان و اشراف اطلاعاتی لازم به طور ضربتی، معنادان متجاهر را جمع می‌کند و آن‌ها را برای نگهداری و درمان، به سازمان‌های متولی تحویل می‌دهد. او با اعلام اینکه اگر شهروندان، مکان خاصی را به عنوان پاتوق معنادان می‌بینند، باید به ۱۱۰ اطلاع دهند، بیان می‌کند: یکی از موضوعات مهم در این حوزه، توجه به فرهنگ مراقبت همسایگی (با پرهیز از دخالت در امور شخصی دیگران) همچنین توجه به محیط اطراف زندگی است. در مواقعی مشاهده می‌شود خودروهایی در خیابان یا حتی مجتمع‌های مسکونی رها می‌شوند یا رفت و آمد افراد مشکوک و معنادان به یک خانه به چشم می‌خورد که مراتب باید به پلیس گزارش داده شود. اما درباره خودروهای رها شده، پلیس با بررسی اصالت مشخصات و شناسایی مالکان، اقدام لازم را پس از هماهنگی با مرجع قضایی انجام می‌دهد.

چراغ در پاسخ به این پرسش که آیا پلیس پس از اطلاع شهروندان در زمینه حضور حتی یک معناد متجاهر، برای جمع‌آوری اقدام می‌کند، می‌گوید: در پی درخواست شهروندان، پلیس در محل حاضر می‌شود و اگر موضوع تأیید شود، فرد منتقل خواهد شد. او اضافه می‌کند: به شهروندان تأکید می‌کنیم هرگز به طور شخصی برای جمع‌آوری یا دستگیری معنادان متجاهر اقدام نکنند؛ چرا که این مأموریت باید به پلیس و سازمان‌های متولی آن سپرده شود.



برود و از حضور این معناد متجاهر شکایت کند و نامه‌ای برای کمپ ماده ۱۶ دریافت کند و در نهایت این نامه را برای جمع‌آوری در اختیار پلیس قرار دهد.

در این میان، نیروی انتظامی ارگانی است که در پی تماس‌های مردمی، برای جمع‌آوری معنادان متجاهر اقدام می‌کند. فرمانده انتظامی مشهد در پاسخی مکتوب به سؤالات روزنامه شهرآرا، با اشاره به اینکه طرح امنیت محله محور برای برقراری نظم و امنیت مردم به طور جدی در دستورکار پلیس است، بیان می‌کند: جمع‌آوری

با چهره عریان اعتیاد روبه‌رو شوند. اما این روایت فقط یک نمونه از صحنه‌هایی است که شهروندان می‌بینند و نمی‌دانند ماجرا را باید به کدام ارگان یا نهاد اطلاع بدهند و اصلا پیرو جمع‌آوری معنادان متجاهر به چه صورتی است.

در راستای پیگیری این گزارش، با یکی از کمپ‌های ماده ۱۶ تماس گرفتیم که اگر آن‌ها امکان دارند، فرد معناد را به کمپ خود انتقال دهند، اما این کمپ اعلام کرد که آن‌ها نیروی اجرایی برای این کار ندارند و پیروسه به این صورت است که یک نفر باید به دادگاه

آل ابراهیم ممکن است شما هم حضور یک معناد در محله را شاهد بوده‌اید که بساطش را هرچه باشد، در کنجی پهن کرده است و همان‌جا زندگی می‌کند. اگر در محله یک ساختمان رها شده درب و داغان هم باشد که چه بهتر؛ آن را برای خودشان تبدیل می‌کنند به جای خواب و اتاقی برای گذران زندگی. شاید هم خودرویی رها شده در کنار فضای سبز یک محله نسبتاً آرام و البته نزدیک به مرکز شهر، فضایی را هرچند موقت برای حضور معنادان متجاهر ایجاد کرده است. حالا نوبت یک مرد کارتن خواب حدودا چهل و پنج ساله است که در اینجا ساکن شده است.

احتمالا باراولی که گذرش به این محله افتاده است، از روی ظاهر خودروی رها شده، متروکه بودن آن را متوجه می‌شود و احتمال می‌دهد که صاحب آن در این اطراف نباشد، پس با مشت، شیشه خودرو را می‌شکند و در آن را به روی خود باز می‌کند. حالا این خودروی متروکه که شبیه یک ون کوچک است، تبدیل به فضایی برای نگهداشت وسایل یک معناد شده است؛ خودش هم هوازگاهی در دل تاریکی خودرو می‌نشیند، اما شب‌ها روی چمن فضای سبز می‌خوابد و روی خود ملحفه‌ای می‌کشد. اگر هوا سردتر شود، هم باکش نیست؛ چرا که به هر حال فضای داخل خودرو گرم‌تر است. اهالی می‌گویند این فرد، چند هفته است که خیلی راحت دارد اینجا زندگی می‌کند. در طول روزگاهی حضور ندارد و دیده‌ایم که در نزدیکی اینجا تکدی‌گری می‌کند و شب‌ها برمی‌گردد. طبق گفته ساکنان محل، پیش از این هم یک زن و شوهر معناد و کارتن خواب در این محل به چشمشان خورده بود و در همین خودرو زندگی می‌کردند. سرانجام بعد از مدتی، صاحب خودرو به اینجا آمده و با زور و دعوای آن‌ها را بیرون کرده بود.

همه افراد به این موضوع آگاه هستند که حضور معناد متجاهر در یک نقطه، فقط چهره محله را مخدوش نمی‌کند، بلکه تبدیل به عاملی برای ناامنی و دلهره‌های وقت‌وبی‌وقت می‌شود؛ به خصوص برای خانواده‌هایی که نمی‌خواهند فرزندانشان از سن پایین بی‌برده